

# مطالعه تغییرات رضایت زناشویی، رضایت جنسی و بهزیستی ذهنی در ۵ سال اول زندگی مشترک: تحلیل روند

بهناز پیوسته<sup>۱</sup>، غلامرضا دهشیری<sup>۲</sup>، سیده فاطمه موسوی<sup>۳</sup>

## چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۷

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی روند تغییرات رضایت زناشویی، رضایت جنسی و بهزیستی ذهنی در ۵ ساله اول زندگی زناشویی انجام شد. **روش:** بدین منظور نمونه‌ای شامل ۲۰۰ زن متأهل شهرستان ساری در محدوده سنی ۴۰-۱۶ سال به روش دردسترس انتخاب شدند و به مقیاس‌های رضایت جنسی هادسون-فرم کوتاه، سنجش رابطه، رضایت از زندگی و پرسشنامه شادکامی آکسفورد-فرم کوتاه پاسخ دادند. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل روند نشان داد که رضایت زناشویی و رضایت جنسی در پنج سال اول زندگی زناشویی، بیش‌تر بصورت خطی کاهش می‌یابد، اما متغیرهای رضایت از زندگی و شادکامی دارای روند غیرخطی درجه دو است، به این‌صورت که در سه سال اول مشترک کاهش یافته، پس از آن سیر صعودی به خود می‌گیرد. **نتیجه‌گیری:** توجه به عوامل زمینه‌ساز رضایت زناشویی و رضایت جنسی در زنان می‌تواند تضمینی برای افزایش رضایت از زندگی و شادکامی در آن‌ها ایجاد نموده، موجبات تداوم زناشویی را در سال‌های بعدی زندگی مشترک زوج‌ها فراهم کند.

**کلیدواژه‌ها:** رضایت زناشویی، رضایت جنسی، بهزیستی ذهنی.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

۲. استادیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

۳. (نویسنده مسئول)، دانشیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

## مقدمه

روابط بین فردی و از آن میان روابط عاشقانه، معمولاً به واسطه تاریخچه مشترکی از تعاملات متمایزگشته و اغلب به واسطه مبنای قابل ملاحظه‌ای از دل‌بستگی تقویت می‌گردد. براساس چنین تاریخچه مشترک و وابستگی مثبتی است که طرفین رابطه نوعاً احساسی از بهزیستی در رابطه را تجربه نموده و عموماً نسبت به رفتارها با یکدیگر به شیوه مثبت برانگیخته می‌شوند (گاتمن و سیلور<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵)، ماحصل چنین پیشینه‌ای، ازدواجی رضایت‌بخش به مثابه فرآیند امتزاج سازگارانۀ دو فرد است (کاراهان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). رضایت از ازدواج<sup>۳</sup> تجربه ذهنی شادکامی و خرسندی شخصی در روابط زناشویی (هندریک، دایک و هندریک<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸) و حالتی ذهنی است که مزایای ادراک شده و ارزش‌های حاصل از ازدواج با یک فرد را منعکس می‌سازد (بامیستر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷)، این گونه رضایت از رابطه زناشویی از جمله عوامل موثر بر بهزیستی ذهنی<sup>۶</sup> (گزارش مطالعات کیفی اروپا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱) است.

مفهوم بهزیستی ذهنی متشکل از دو بخش شادکامی و رضایت از زندگی<sup>۸</sup> (داینر<sup>۹</sup>، ۱۹۸۵؛ روحانی و ابوطالبی، ۱۳۸۸) با تأکید بر محتوای زندگی به منظور درک و برنامه‌ریزی روزانه و اشتیاق هیجانی برای شروع روزانه است (بچ<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۹). برخی رویکردهای بهزیستی ذهنی، پیش‌بینی می‌کنند که تغییرات رضامندی در حوزه‌های خاص چون رضایت زناشویی و رضایت جنسی (فونتس و ایگیلیزیس<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۴) باعث

1. Gottman, J. M., & Silver, N.
2. Karahan. T. F.
3. marriage satisfaction
4. Hendrick, S. S., Dicke, A., & Hendrick, C.
5. Baumeister, M.
6. subjective well-being
7. Eurobarometer Qualitative Studies
8. satisfaction with life
9. Diener, E.
10. Bech P.
11. Fuentes, M. D. M. S., & Iglesias, P. S.

تغییرات رضامندی کلی زندگی می‌شود (اید و لارسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). مطالعات بین‌فرهنگی نیز نشان داده است که افراد در قضاوت‌های خود پیرامون رضایت از زندگی به منابع در دسترس خود بر اساس سن، جنس و دوره زندگی و... مراجعه می‌کنند (داینر، ۲۰۰۹). همسوبا این رویکردها، داینر (۲۰۰۹؛ تروپ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱) نشان دادند که رضایت زناشویی بهترین پیش‌بینی‌کننده بهزیستی ذهنی و سطح کلی رضایت از زندگی است (فرودینگر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳؛ پرولکس، هلمزو بوهرلر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ سو<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۸؛ به نقل از داینر، ۲۰۰۹)، مطالعات متعدد نیز حاکی از رابطه رضایت زناشویی و رضایت جنسی با رضایت از زندگی و شادکامی در طول زندگی زناشویی به‌ویژه در زنان است (دهشیری و موسوی، ۱۳۹۳؛ هندرسون، لهاوت و سیمونی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹؛ ادوارد و بوث<sup>۷</sup>، ۱۹۹۴؛ اسکورسلینی-کامین و داس سانتس<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲؛ یه، لورنز، ویکراما، کانگروالدر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶؛ روزن و بیچمن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸؛ دوغان، توقوت و گلباسی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۳؛ ترودل<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲؛ بیرز<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۵؛ رحمانی، صادقی، الله‌قلی و مرقاتی‌خوئی، ۱۳۸۹؛ بخشی‌پور و فلاحی، ۱۳۹۳؛ دیویسون، بل، لاجاینا، هولدن و دیویس<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۹؛ ونر<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۰). بنسون و کرش<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه طولی خود با هدف بررسی تأثیر کیفیت زناشویی بر سازگاری روان‌شناختی، کارآمدی در والدین‌گری و بهزیستی روانی زنان دریافتند که کیفیت زناشویی با هر سه شاخص یاد

1. Eid, M., & Larsen, R. J.

2. Throop, R.

3. Freudiger, P.

4. Proulx, C. M., Helms, H. M., & Buehler, C.

5. Suh, et al.

6. Henderson, A. W., Lehavot, K., & Simoni, J. M.

7. Edwards, J. N. & Booth, A.

8. Scorsolini-Comin F., & Dos Santos M. A.

9. Yeh, H. C., Lorenz, F. O., Wickrama, K. A. S., Conger, R. D., & Elder Jr, G. H.

10. Rosen, R. C., & Bachmann, G. A.

11. Dogan, T., Tugut, N., & Golbasi, Z.

12. Trudel, G.

13. Byers, E.

14. Davison, S.L., Bell, R.J., LaChina, M., Holden, S.L. & Davis, S. R.

15. Wenner, C. A.

16. Benson, P.R. & Kersh, J.

شده رابطه معناداری دارد. در تأیید این یافته، شک<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نیز در مطالعه خود بر روی کیفیت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی زوج‌های چینی، دریافت زوج‌های دارای ناسازگاری زناشویی بالا، در مقایسه با زوج‌هایی که ناسازگاری‌های زناشویی کم‌تری نشان می‌دادند، علائم بحرانی و مرضی از خود بروز داده، از سطوح پایینی از هدف برای زندگی و رضایت از زندگی برخوردار بودند.

مفهوم رضایت به مثابه نگرش مانند هر نوع ادراک دیگری، طی زمان و در ارتباط با تجارب مهم زندگی تغییر می‌کند. از این رو، دیگر همچون مطالعات گذشته، مفهوم رضایت زناشویی سازه‌ای با ویژگی‌های ثابت فرض نمی‌شود (روچ، فریزر و بودن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱). برخی مطالعات مقطعی بر روی زوج‌های با طول مدت ازدواج‌های متفاوت، نشان می‌دهد که رضایت زناشویی از یک مسیر منحنی خطی پیروی می‌کند، به نحوی که سطوح بالای رضایت زناشویی در آغاز ازدواج و سال‌های پایانی ازدواج مشهود است (اولسون، دی‌فرین و اسکوگراند<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). در همین راستا، بلسکی و رووین<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) به نقل از جهان‌بخشی، یوسفی و کشاورز افشار، (۱۳۹۳) نشان دادند که زوج‌ها در مراحل گذار زندگی که سال‌های آغازین زندگی را شامل می‌شود، سطح بالای رضایت از زندگی زناشویی را گزارش کردند. مطالعات مختلفی به بررسی تغییرات رضایت جنسی و رضایت زناشویی در گذر زمان پرداخته و نشان دادند که در ابتدای زندگی مشترک، رضایت جنسی و رضایت زناشویی بیش‌تر و با افزایش طول مدت ازدواج رضایت جنسی و رضایت زناشویی کم‌تر می‌شود (بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸؛ تیمورپور، مشتاق بیدختی و پورشهباز، ۱۳۸۹؛ شاه‌سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸؛ بهرامی و همکاران، ۱۳۸۹؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ موحد و عزیزی، ۱۳۹۰؛ گو و هوانگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵؛ برسینیک و

1. Shek, D.T. L.

2. Roach, A. J., Frazier, L. P., & Bowden, S. R.

3. Olson, D., DeFrain, J., & Skogrand, L.

4. Belsky, J., & Rovine, M.

5. Guo, B., & Huang, J.

ویسمن<sup>۱</sup>؛ ۲۰۰۴؛ کریستنسن، ۲۰۰۴؛ نانس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). کردک<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای طولی طی چهار سال اول ازدواج دریافت که رضایت زناشویی در هر سال برای هر دو جنس با نرخ مشابهی کاهش یافته، به موازات آن، شدت افسردگی به‌ویژه در زنان افزایش می‌یابد. طی مطالعه بلسکی و شیبیه<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) مشاهده شد که رضایت زناشویی طی پنج سال ابتدایی زندگی مشترک خصوصاً با تولد فرزند از سه الگوی متمایز برخوردار می‌گردد، گروهی از زوج‌های خوب، طی چهار سال اول رابطه خوبی را حفظ کرده، سطح عشق در پدر بالا و سطح تعارض در مادر پایین ارزیابی می‌شود، در گروه دوم رابطه خوب اولیه به وخامت می‌انجامد، به این ترتیب که سطح عشق آغازین در پدر بالا و با مرور زمان افت می‌کند، و سطح تعارض اولیه مادر پایین و سپس افزایش نشان می‌دهد، در گروه سوم، رابطه بد اولیه وخیم‌تر شده، سطح عشق اولیه پایین و پایین‌تر و سطح تعارض اولیه مادر بالا و بالاتر گزارش شد. السون و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که زوج‌ها پیش از تولد اولین فرزند، احساس شادکامی و رضایت بیش‌تر از زندگی زناشویی خود داشته، با تولد فرزند این احساس کاهش و در سال‌های میانی با بزرگ شدن فرزندان، مجدداً افزایش می‌یابد. چنین تغییراتی بر اساس الگو و ریخت‌شناسی زوج‌ها در مطالعات برپایان<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) نیز مورد مطالعه قرار گرفته و تأیید شده است. برخی دیگر از مطالعات، رضایت زناشویی در سطوح بالا، متوسط و پایین را در زوج‌ها با طول ازدواج متفاوت ارزیابی کرده و نشان دادند که کیفیت زناشویی با افزایش سن دچار تغییر می‌شود، این مطالعات نشان دادند که ازدواج‌های با طول مدت بالا، از لحاظ کیفی با ازدواج‌های طول مدت پایین متفاوت‌اند، لذا این گونه تبیین می‌کنند که انگیزه‌های منجر به پایه‌ریزی روابط صمیمی در آغاز بزرگسالی، با انگیزه‌های نگهداری رابطه زناشویی در سال‌های میانی و پس از آن، متفاوت است. در آغاز یک رابطه عاشقانه شدت هیجانات و جذابیت‌های فیزیکی

1. Breznsnyak, M. & Whisman, M. A.
2. Nunes, N.
3. Kurdek, L. A.
4. Belsky, J., & Hsieh, K. H.
5. Bryan, A. A.

نقش عمده‌ای در رضایت زناشویی و رضایت جنسی ایفا می‌کنند، در اواسط مدت طولانی‌تر ازدواج، عوامل دیگری چون تعاملات زناشویی (هویت سازگار یافته و الگوهای تعاملی جدید) (لاچمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴) نقش مهم‌تری نسبت به عوامل اقتصادی-اجتماعی و متغیرهای شخصیتی در رضایت زناشویی ایفا می‌کنند (اشمیت و کیگل و شاپیرو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ کارستنسن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲). دوهرتی<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) نیز عواملی چون مشغله‌های پس از ازدواج، وقفه در قرار ملاقات‌های زوجی به ویژه پس از تولد فرزند، فراموش کردن هدف ازدواج و... را علت قرار گرفتن زوج‌ها در سرایشی نارضایتی در سال‌های اول زندگی می‌داند.

از مطالعه یافته‌های فوق برمی‌آید که سه متغیر رضایت زناشویی، رضایت جنسی و بهزیستی به عنوان متغیرهای همبسته با یکدیگر دستخوش تغییراتی در گذر زمان می‌گردند، محدودیت انجام مطالعات طولی و توجه ناچیز به تحلیل روند در بررسی کیفیات و برآیندهای زناشویی در ایران انجام مطالعاتی در این حوزه را ضروری می‌کند. از این رو، این پژوهش با هدف بررسی روند تغییرات در رضایت زناشویی، رضایت جنسی و بهزیستی ذهنی در زنان، درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا رضایت زناشویی، رضایت جنسی، احساس شادکامی و رضایت از زندگی (به عنوان دو مؤلفه بهزیستی ذهنی) طی پنج سال اول زندگی زناشویی زنان متأهل شهر ساری سیر ثابتی را طی می‌کند؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی بود. کلیه زنان متأهل شهر ساری که تا سال ۱۳۹۵ یک تا پنج سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود و در زمان اجرای پژوهش با هم زندگی می‌کردند جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده بودند. براساس طول مدت ازدواج جامعه به پنج

1. Lachman, M. E.

2. Schmitt, M., Kliegel, M., & Shapiro, A.

3. Carstensen, L.

4. Doherty, W. J.

گروه تقسیم شده بود: گروه اول که یکسال از ازدواج آنها گذشته بود، گروه دوم دو سال و به همین ترتیب تا گروه پنجم که پنج سال از ازدواج آنها گذشته بود. از هر یک از این گروه‌ها نمونه‌ای به حجم ۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس و با جلب رضایت آن‌ها برای شرکت در پژوهش انتخاب شد. (جمعاً ۲۰۰ نفر). دامنه سنی افراد شرکت‌کننده در پژوهش بین ۱۶ تا ۴۰ سال با میانگین ۲۶/۵۸ و انحراف استاندارد ۴/۵۱ بود. برای انتخاب نمونه پژوهش پرسشگری که مسئولیت جمع‌آوری داده‌ها را برعهده داشت به مراکز عمومی سطح شهر ساری همانند پارک‌ها، مراکز خرید، سالن‌های ورزشی و... مراجعه و با افرادی که در این مکان‌ها حضور داشتند به گفتگو پرداخت و با بیان اهداف پژوهش به افرادی که ملاک‌های ورود به پژوهش (شامل طول مدت ازدواج بین یک تا پنج سال، داشتن زندگی مشترک با همسر در زمان اجرای پرسشنامه، تمایل به شرکت در پژوهش) را داشتند سعی در جلب مشارکت آنها برای شرکت در پژوهش کرد. به شرکت‌کنندگان در پژوهش در خصوص محرمانگی اطلاعات و پاسخ‌های آنها اطمینان داده شد.

### ابزارهای پژوهش

پرسشنامه رضایت جنسی هادسون (فرم کوتاه): در سال ۱۹۸۱ توسط هادسون، هریسون و کروسکاپ<sup>۱</sup> برای ارزیابی سطوح رضایت زوج‌ها ساخته شد. این مقیاس دارای ۲۵ سوال است. پاسخ آزمودنی به هر ماده آزمون در سطح یک مقیاس ۷ درجه‌ای بین ۰ (هرگز) تا ۶ (همیشه) مشخص می‌شود و دامنه نمرات بین ۰ تا ۱۵۰ است. همسانی درونی این مقیاس توسط طراحان محاسبه و آلفای کرونباخ آن ۰/۹ بدست آمد. اعتبار تفکیکی آن نیز ۰/۷۶ بدست آمد. هنرپروان، تبریزی، نوابی‌نژاد و شفیعی‌آبادی (۱۳۸۹) برای اولین بار فرم ۵۴ سوالی آن را در ایران استفاده کردند. در پژوهش آنان مشخصات روانسنجی

1. Hudson, W. W., Harrison, D. F., & Crosscup, P. C.

مقیاس در دو بعد پایایی و اعتبار مورد بررسی قرار گرفته و مقدار آلفا برای کل مقیاس رضایت جنسی برابر ۰/۹۴ بدست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۹ بدست آمد.

مقیاس سنجش رابطه<sup>۱</sup>: این مقیاس به منظور ارزیابی میزان رضایت کلی افراد از رابطه صمیمی و نزدیک توسط هندریک<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) ساخته شده و شامل هفت سوال با طیف پاسخگویی لیکرت پنج درجه‌ای (رضایت کم تا رضایت بالا) است. سؤالات از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شود. نمره کل (۷ تا ۳۵) یا میانگین (۱ تا ۵) هر فرد در این مقیاس ۷ سوالی می‌تواند برای تفسیر میزان رضایت از رابطه مورد استفاده قرار گیرد. نمرات بالا نشان‌دهنده رضایت بالا و نمرات پایین حاکی از رضایت کم در روابط بین زوج‌ها است. ضرایب همسانی درونی مقیاس در مطالعات مختلف بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۱ گزارش شده است (هندریک، ۱۹۸۸؛ رنشا، مک‌نایت، کاسکا و بلیس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰) که نشان‌دهنده همسانی بالایی سؤالات مقیاس در اندازه‌گیری رضایت از رابطه صمیمی است. همسانی درونی این مقیاس در نمونه ایرانی برابر با ۰/۸۸ و روایی همگرایی مقیاس از طریق همبستگی با نمرات مقیاس رضایت زناشویی کاتزاس در حد مناسبی گزارش شد (دهشیری و موسوی، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۹۲ بدست آمد.

مقیاس رضایت از زندگی: این مقیاس توسط داینر، امونس، لارسون و گریفین<sup>۴</sup> (۱۹۸۵) متمایز از شادکامی و عاطفه مثبت، برای اندازه‌گیری سطح رضایتمندی کلی فرد از زندگی طراحی شد و شامل ۵ سؤال با مقیاس پاسخگویی لیکرت ۷ درجه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. در مطالعه سازندگان آن، ضریب پایایی این مقیاس با

1. Relationship Assessment scale

2. Hendrick, S. S.

3. Renshaw, McKnight, Caska, & Blais

4. Diener, E. D., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S.



استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰ و در مطالعه‌ی اید و داینر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۶ گزارش شده است. ضرایب پایایی همسانی درونی و بازآزمایی مقیاس در بین دانشجویان به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۲ گزارش شده است (داینرو همکاران، ۱۹۸۵). روایی همگرایی این مقیاس با مقیاس شادکامی ۰/۷۳ و روایی واگرایی آن با مقیاس افسردگی ۰/۶۳- گزارش شد (شیخی، هومن، احدی و سپاه‌منصور، ۱۳۹۰). در پژوهش شیخ‌الاسلامی، نجاتی و احمدی (۱۳۹۰) بر روی زنان متأهل شهر شیراز ضریب آلفای مقیاس ۰/۸۶ گزارش شد. در پژوهش حاضر نیز، پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۰ بدست آمد.

**پرسشنامه شادکامی آکسفورد<sup>۲</sup> - فرم کوتاه:** این پرسشنامه توسط هیلز و آرگایل<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) منتشر شده و شامل ۲۹ سؤال با مقیاس پاسخ‌گویی لیکرت ۶ درجه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. همچنین این پرسشنامه دارای یک فرم کوتاه ۸ سؤالی است. پایایی و روایی پرسشنامه در حد مناسبی گزارش شد (هیلز و آرگایل، ۲۰۰۲). ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی بازآزمایی در بین دانشجویان ایرانی، به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۷۹ گزارش شد، همچنین نتایج تحلیل عاملی تاییدی با بار عاملی ۰/۳۲ تا ۰/۶۳ بیانگر روایی سازه و همبستگی معنی دار نمرات آن با نمرات عزت نفس به میزان ۰/۷۰ بیانگر روایی همگرایی این مقیاس است (نجفی، دهشیری، دبیری، شیخی و جعفری، ۱۳۹۱).

ضریب پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۸ بدست آمد. در پژوهش دهشیری و موسوی (۱۳۹۳) اعتبار آن در جامعه‌ای از زنان و مردان متأهل شهر تهران با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۶ به دست آمد.

## یافته‌ها

به منظور بررسی تأثیر مدت ازدواج بر رضایت زناشویی، رضایت جنسی و بهزیستی

1. Eid, M., & Diener, E.
2. Oxford Happiness Questionnaire
3. Hills, P., & Argyle, M.

ذهنی زنان از تجزیه و تحلیل واریانس چند متغییری یکراره (MANOVA) استفاده شد که نتایج نشان داد که مدت ازدواج، اثر معنی داری بر متغیرهای وابسته دارد.  
 $\eta^2 = 0/08$ ,  $p < 0/001$ ,  $F(16, 739) = 5/55$ ,  $\lambda = 0/71$  لامبدای ویلکز

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای وابسته به تفکیک پنج سال اول زندگی مشترک

شادکامی		رضایت از زندگی		رضایت جنسی		رضایت زناشویی		مدت ازدواج
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۶/۰۵	۳۵/۶۲	۶/۳۱	۲۴/۶۴	۱۵/۵۱	۱۳۹/۵۴	۳/۴۳	۳۰/۷۰	۱
۶/۱۴	۳۳/۵۸	۵/۳۹	۲۱/۶۰	۱۳/۷۶	۱۲۸/۳۰	۴/۹۶	۲۸/۳۲	۲
۷/۱۵	۳۲/۱۴	۶/۳۷	۱۹/۷۸	۱۹/۸۷	۱۱۶/۱۸	۵/۷۱	۲۵	۳
۵/۹۸	۳۵/۴	۵/۸۵	۲۲/۶۲	۲۱/۰۶	۱۲۰/۶۸	۶/۳۸	۲۴/۱۰	۴
۶/۶۰	۳۴/۲۸	۸/۳۳	۲۱/۷۴	۲۳/۷۹	۱۲۰/۴۰	۷/۶۴	۲۳/۸۲	۵
۲/۴۷*		۳/۶۶**		۱۱/۵۷**		۱۳/۴۰**		F

\*\*  $P < 0/01$ , \*  $P < 0/05$

به منظور بررسی اینکه تاثیر مدت ازدواج بر کدام یک از متغیرهای وابسته معنی دار است از آنوای یکراره استفاده شد که در جدول ۱ ارائه شده است. چنانچه از جدول مشاهده می شود اثر مدت ازدواج بر رضایت زناشویی معنی دار است [F(۴, ۲۴۵) = ۱۳/۴۰,  $p < 0/001$ ,  $\eta^2 = 0/18$ ]، همچنین طول مدت ازدواج، اثر معنی داری بر رضایت جنسی دارد [F(۴, ۲۴۵) = ۱۱/۵۷,  $p < 0/001$ ,  $\eta^2 = 0/16$ ]. اثر طول مدت ازدواج بر رضایت از زندگی [F(۴, ۲۴۵) = ۳/۶۶,  $p < 0/006$ ,  $\eta^2 = 0/06$ ] و شادکامی [F(۴, ۲۴۵) = ۲/۴۷,  $p < 0/005$ ,  $\eta^2 = 0/04$ ] نیز معنی دار است. به منظور مقایسه میانگین متغیرهای وابسته بر اساس سال های زندگی مشترک از تحلیل روند استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

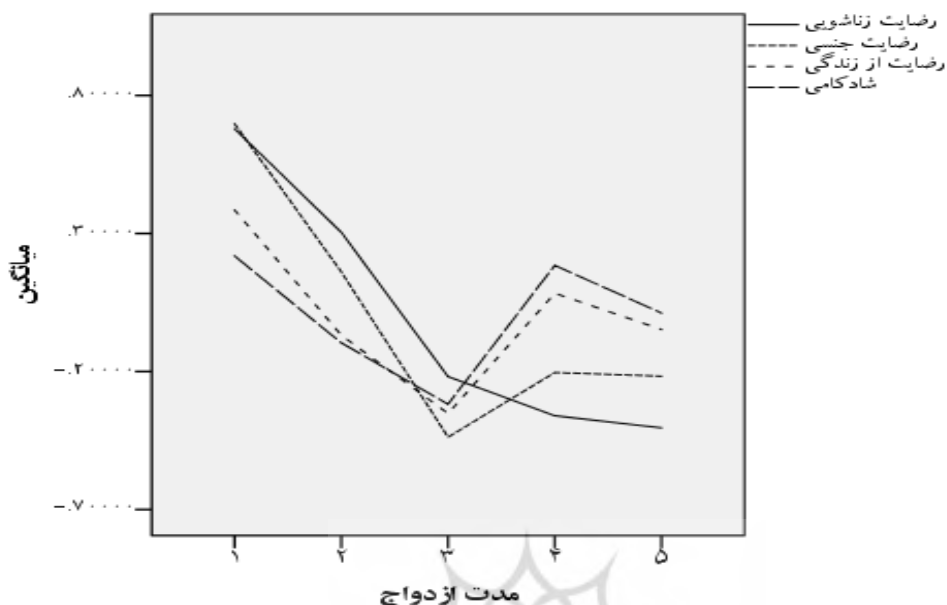
جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل روند

متغیرها	خطی	روند درجه ۲	روند درجه ۳
رضایت زناشویی	۴۸/۰۲**	۴/۶۵*	۰/۳۶
رضایت جنسی	۲۸/۷۰**	۱۴/۴۵**	۰/۲۱
رضایت از زندگی	۲/۶۸	۶/۷۵**	۰/۸۶
شادکامی	۰/۰۹	۳/۷۲*	۳/۰۲

\*\*  $P < 0/01$ , \*  $P < 0/05$

چنانچه از جدول ۲ مشاهده می‌شود در مورد تاثیر طول مدت ازدواج بر رضایت زناشویی هم روند خطی [ $F(1, 245) = 48/02, p < 0/001, \eta^2 = 0/16$ ] و هم روند درجه دو [ $F(1, 245) = 4/65, p < 0/03, \eta^2 = 0/01$ ] معنی‌دار است که این نشان می‌دهد میزان رضایت زناشویی به طور خطی در پنج سال اول زندگی کاهش می‌یابد، اما پس از سال سوم این کاهش در میزان رضایت اندک می‌شود. در مورد متغیر رضایت جنسی نیز روند تاثیر مدت ازدواج هم روند خطی [ $F(1, 245) = 28/70, p < 0/001, \eta^2 = 0/16$ ] و هم درجه دو [ $F(1, 245) = 14/45, p < 0/001, \eta^2 = 0/05$ ] معنی‌دار است.

نتایج در مورد تاثیر طول مدت ازدواج بر رضایت از زندگی نشان می‌دهد که روند خطی معنی‌دار نیست [ $F(1, 245) = 2/68, p < 0/05, \eta^2 = 0/01$ ]، اما روند درجه دو معنی‌دار است [ $F(1, 245) = 6/75, p < 0/01, \eta^2 = 0/03$ ]. همچنین در مورد متغیر شادکامی نیز روند خطی معنی‌دار نیست [ $F(1, 245) = 0/09, p < 0/05, \eta^2 = 0/001$ ]، اما روند درجه دو معنی‌دار است [ $F(1, 245) = 3/72, p < 0/05, \eta^2 = 0/01$ ]. این نشان می‌دهد که رضایت از زندگی و شادکامی در سه سال اول کاهش یافته، اما پس از آن روند افزایشی به خود می‌گیرد. نمودار ۱، روند تغییرات را در متغیرهای رضایت زناشویی، رضایت جنسی، رضایت از زندگی و شادکامی نشان می‌دهد.



نمودار ۱: روند رضایت زناشویی، جنسی، زندگی و شادکامی در ۵ سال اول ازدواج

## بحث و نتیجه‌گیری

بهزیستی ذهنی، اندازه‌ای از رضایت کلی از زندگی فرد است (کام‌فیلد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳)، از این‌رو، رضایت فرد از زندگی دارای مفهومی چندبعدی فرض شده، تمامی ابعاد زندگی چون سلامت، عشق شغل، فرزند و... را در برمی‌گیرد. احساس شادکامی به عنوان مؤلفه عاطفی در کنار رضایت از زندگی به عنوان مؤلفه شناختی بهزیستی ذهنی، در برخی مطالعات همبستگی ضعیف تا متوسطی را نشان داده است (ریجاوک، بردار، میلجکویک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). بر مبنای مدل از بالا به پایین در بهزیستی ذهنی، رضایت زناشویی به عنوان بعد اختصاصی رضایت از زندگی و رضایت جنسی به عنوان بُعدی از شادکامی (دارای بار هیجانی) تلقی می‌شود.

1. Camfield, L.

2. Rijavec, M., Brdar, I., & Miljković, D.

رضایت زناشویی از ابعاد مهم کیفیت و ثبات زناشویی، به عنوان برآیند و پیامد تعاملات رفتاری و عاطفی زوج‌ها در زندگی مشترک تحت عنوان سازگاری زناشویی (لارنس، براک، بری، لانگرو بروکر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹) پیش‌بینی‌کننده احساس شادکامی و رضایت از زندگی در زنان است و معمولاً به ارزیابی ذهنی فرد از رابطه وی با یک شریک عشقی اشاره می‌کند (واگن و متیاستیک بایر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰)، سازهای که از عوامل مختلفی بین فردی، شخصی، اقتصادی-اجتماعی، فرهنگی و... متأثر گردیده و طی زمان بر فرآیندها و کارکردهای زناشویی و خانوادگی تاثیر می‌گذارد. این پژوهش با هدف بررسی روند تغییرات رضایت زناشویی، رضایت جنسی و بهزیستی ذهنی (متشکل ازدو مؤلفه شادکامی و رضایت از زندگی) در ۵ ساله اول زندگی زناشویی زنان متأهل شهرسازی انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که رضایت زناشویی و رضایت جنسی در پنج سال اول زندگی زناشویی، بیش‌تر بصورت خطی کاهش می‌یابد. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات بخشایش و مرتضوی (۱۳۸۸؛ تیمورپور و همکاران، ۱۳۸۹؛ شاه‌سیاه و همکاران، ۱۳۸۸؛ بهرامی و همکاران، ۱۳۸۹؛ موحد و عزیزی، ۱۳۹۰؛ گو و هوانگ، ۲۰۰۵؛ برسینیک و ویسمن، ۲۰۰۴؛ کریستنسن، ۲۰۰۴؛ نانس، ۲۰۰۸) همسوست.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که تغییرات در رضایت از زندگی و شادکامی از یک روند غیرخطی تبعیت می‌کند، به این معنا که در سه سال اول کاهش یافته، پس از آن سیر صعودی به خود می‌گیرد. روچ و همکاران (۱۹۸۱؛ السون و همکاران، ۲۰۱۰؛ تروپ، ۲۰۱۱) نشان دادند که رضایت افراد از زندگی تحت تأثیر گذر زمان و متغیرهای فردی و محیطی دستخوش تغییراتی می‌شود.

مدل بهزیستی ذهنی توصیف‌شده توسط داینر، بسط‌یافته سازه بهزیستی مبتنی بر لذت، انشقاق‌یافته از فلسفه لذت‌گرایی است. مطابق با نظریه «تردمیل لذت»<sup>۳</sup> (بریکمن

1. Lawrence, E., Brock, R. L., Barry, R. A., Langer, A., & Bunde, M.  
2. Vaughn, M. J., & Matyastik Baier, M. E.  
3. hedonic treadmill

و کمپبل<sup>۱</sup>، (۱۹۷۱) افراد به سرعت با تغییرات در شیوه زندگی خود انطباق یافته و به سطوح پایه خود از شادکامی برگشت می‌کنند. از این‌رو، سازگاری و کاهش هیجانات ناشی از تازگی در آغاز زندگی مشترک و پویایی روابط جنسی با شریک زندگی، در چند سال پس از آغاز زندگی زناشویی امری طبیعی بوده و به‌نظر می‌رسد با رسیدن به نقطه‌ای از تعادل، روند ثابت و بسته به عوامل ارتباطی، جسمانی، بیولوژیکی و... روند کاهشی یا حتی افزایشی به خود می‌گیرد. این در حالی است که بعد شناختی بهزیستی چون رضایت زناشویی و رضایت از زندگی متأثر از شکل‌گیری هویت زوجی، انسجام روابط، تولد فرزند، سرمایه‌گذاری‌های روانی و اقتصادی و.. می‌تواند پس از افول خود در میانه زندگی روند افزایشی به خود می‌گیرد.

طبق نقشه زندگی در رویکرد اولسون و همکاران (۲۰۱۰) طی همان سال‌های ابتدای زندگی زناشویی، تغییرات چشمگیری در نوع روابط همسران مشاهده می‌شود. این سطح از تغییرات در روابط همسران با وقایع مهم زندگی زناشویی چون بارداری کاملاً معمول است. زن و شوهر در ماه‌های اول زندگی مشترک، روابط انعطاف‌پذیر و منسجمی با یکدیگر دارند، به‌گونه‌ای که در برابر تغییرات منعطف بوده و به یکدیگر نزدیک و باهم صمیمی‌اند. پس از مدتی به‌گونه‌ای نظام‌مند در هم تنیده می‌شوند، روابط آن‌ها ساختارمند می‌گردد، در هم‌تنیدگی شایع‌ترین مشخصه زوج‌های تازه‌ازدواج‌کرده است. طی دو سال اول زندگی مشترک، آن دو با مشغله‌های خود بسیار درگیر بوده و زمان کمی را برای باهم بودن اختصاص می‌دهند. با تولد فرزند، همسران به شکل اغتشاش‌آمیزی به یک خانواده منسجم تغییر شکل می‌یابند. تولد اولین فرزند، اگرچه نزدیکی عاطفی بیش‌تری برای آن‌ها به ارمغان آورده، اما به نوبه خود اغتشاش بیش‌تری برای ثبات زندگی آن‌ها محسوب شده، منجر به کاهش رضایت جنسی، رضایت زناشویی، و کم‌رنگ‌شدن احساس شادکامی و رضایت از زندگی در آن‌ها می‌گردد. مطالعات نیز نشان داده‌اند که

طلاق قانونی بیش‌تر در ۴ سال پس از ازدواج رخ می‌دهد (کوک و جونز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). مطالعه‌ی طولی گاتمن و نوتاریوس<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) نشان داد که برای تقریباً ۴۰ تا ۷۰ درصد از همسران افت قابل‌توجهی در کیفیت زناشویی در همان سال اول پس از تولد اولین فرزند، تعارض نقش‌ها، کارهای منزل و مراقبت از فرزند، کاهش گفت‌وگوهای جنسی و زناشویی رخ می‌دهد، مطابق با نظر گلدستین، مستون، دیویس و تریش<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) کاهش جذابیت‌های جنسی زوج‌ها برای یکدیگر، فرسودگی ناشی از فشارهای اقتصادی ابتدای زندگی، عوامل جسمانی، فشار عصبی، خودمانی شدن و یکنواختی روابط، فرسایش عاطفی، ترس از ناتوانی جنسی در این امر بی‌تاثیر نیستند.

مطالعه‌ی عباسی و همکاران (۱۳۸۹) با هدف تحلیل روند تغییرات ابعاد رضایت زناشویی در طول چرخه‌ی زندگی نیز نشان داد که تغییرات رضایت زناشویی، روابط جنسی، روابط با دوستان و خانواده از الگوی منحنی برخوردار است. نولر، فینی، بونل و کالان<sup>۴</sup> (۱۹۹۴) دریافتند که الگوهای تعارضات زناشویی طی دو سال اول پس از ازدواج ثابت بوده، اما همسران رضایت پایینی از زندگی زناشویی نشان داده، زندگی آن‌ها از ثبات کم‌تری برخوردار است. این در حالی است که با افزایش طول‌مدت ازدواج، می‌توان شاهد ثبات و سازگاری نسبی در زندگی زناشویی زوج‌ها بود. یافته‌های گریف و دی‌برونه<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) نشان داد که زوج‌های جوان نسبت به زوج‌های با طول‌مدت ازدواج بیش‌تر، ظرفیت کم‌تری برای حل تعارضات به شیوه‌ی مثبت از خود نشان داده، در تعاملات خود، از عبارات ارزشیابانه و مخالفت‌آمیز بیش‌تری نسبت به زوج‌های مسن استفاده می‌کنند، موضوعی که می‌تواند رضایت زوج‌ها در ابتدای زندگی زناشویی را متأثر سازد.

مطابق با رویکرد تحولی و سازنده‌گرایی در مطالعات وام‌بلت و ریس<sup>۶</sup> (۱۹۸۹)، به نقل

1. Cook, J. L. & Jones, R. M.
2. Gottman, J. M., & Notarius, C. I.
3. Goldstein, I., Meston, C. M., Davis, S., & Traish, A.
4. Noller, P., Feeney, J.A, Bonnell, D, and Callan, V. J.
5. Greeff, A. P., & de Bruyne, T.
6. Wamboldt, & Reiss

از کارول و هلمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲) می‌توان رابطه رضایت زناشویی و تداوم زناشویی در طول زمان را با کیفیت شکل‌گیری یک هویت نیرومند همسری، طی سال‌های ابتدایی ازدواج مرتبط دانست. این حس هویت از توانایی زوج‌ها در رسیدن به سطوحی از توافق در مورد موضوعات کلیدی در رابطه آن‌ها نشأت می‌گیرد، زوج‌ها در ابتدای زندگی، به دلایلی چون ناآشنایی با مهارت‌های جاذب در روابط زناشویی، پیشینه حاکی از تجارب زناشویی مثبت در روابط والدین خود، تاکید بر هویت فردی شکل‌گرفته براساس پیشینه خانودگی خود، ناتوانی در به اشتراک‌گذاری تجارب عاطفی با فرد دیگر، و احتمالاً با خزانه نابسندگی از دانش و مهارت‌های لازم برای رابطه موفق، وارد رابطه‌ای می‌گردند که دانشی کافی نسبت به آن نداشته، دچار اغتشاش در نقش‌های محوله گردیده، با مشکلات و تعارضات فراوانی مواجه می‌شوند. گذشت زمان همراه با افزایش تجارب اشتراکی ناشی از تعاملات سازنده، منجر به شکل‌گیری هویت زوجی موفق گردیده، تضمینی برای ثبات و تداوم زناشویی فراهم می‌سازد. پژوهش محمدی، باباپور و علی‌پور (۱۳۹۳) نیز حاکی از رابطه هویت و تعارضات زناشویی در زوج‌های با طول مدت ازدواج بالاست. یافته‌های پژوهش کاول و هلمن (۲۰۰۲) نیز تایید می‌کند که فرایندهای تعاملی چون کیفیت تعاملات جنسی و ارتباطی در همسران قادر است رضایت زناشویی را تا حداقل ۶ سال اول ازدواج پیش‌بینی کند، امری که می‌تواند تعیین‌کننده احساس شادکامی در زندگی زناشویی و بهزیستی و سلامت روان در زوج‌ها باشد. با این حال، برخی شواهد نشان می‌دهند که زوج‌های با طول مدت ازدواج بیش‌تر ابرازگری عاطفی و خودبیانگری کم‌تری نسبت به زوج‌های با طول مدت ازدواج‌های پایین‌تر نشان می‌دهند (زیتلو و سیلارس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸)، یافته‌ای که می‌تواند با کیفیت تعاملات زناشویی بین‌نسلی تبیین شود.

1. Carroll, J. S., & Holman, T. B.

2. Zietlow, P. H., & Sillars, A. L.



ایت، بوث و ادواردز<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) طی مطالعه مقطعی دریافتند که زوج‌ها در مراحل پایانی زندگی زناشویی، شادکامی، رضایت و سازگاری زناشویی بیش‌تری را نسبت به زوج‌ها در اواسط زندگی زناشویی ابراز می‌کنند. در تبیین این یافته، گرین‌بام و رادر<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) معتقدند رضایت زناشویی سال‌های پایانی ناشی از آزادی بیش‌تر و زمان بیش‌تر در لذت‌بردن از همراهی با یکدیگر است، با افزایش طول مدت ازدواج، همسران بار دیگر روابط زناشویی را بازتعریف کرده، راهبردها و روش‌های جدیدی را برای توجه به موضوع صمیمیت در روابط خود به کار می‌گیرند. این راهبردهای سازگارانه، راهکارهای کوتاه‌مدت یا بلندمدتی هستند که همسران با عنایت به کیفیت زناشویی خود برای مدیریت تجربیات زندگی خانوادگی به کار می‌گیرند. همسرانی که احساس تحلیل‌رفتن در روابط زناشویی خود می‌کنند، احتمالاً افرادی هستند که زمان کم‌تری برای مواجههٔ چهره به چهره صرف می‌کنند و برعکس همسرانی که روابط خود را با کیفیت ارزیابی می‌کنند ضرورت بیش‌تری برای گذران زمان مشترک احساس می‌کنند که نتیجه آن تجربهٔ هیجان شادکامی و احساس رضایت بیش‌تر از زندگی است (فلود، جنادک و موئن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). نتایج مطالعه گوستاوسن، روسمب، بورن، توویک و کارولد<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) نشان داد که رضایت از زندگی در ارتباط تنگاتنگ با کیفیت زناشویی همسران مفهومی است که در گذر زمان و با بهبود کیفیت زناشویی تقویت می‌شود. این موضوع با عنایت به سال‌های گذشته از ازدواج به ویژه در سال‌های ابتدایی ازدواج که با احتمال بیش‌تری زوج‌ها را درگیر در وظایف والدینی نکرده است، قابل تبیین است.

از آنجایی که شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر تنها زنان شهرسازی بودند که یک تا ۵ سال از زندگی از زندگی مشترکشان گذشته و به روش در دسترس انتخاب شدند، بنابراین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی، متغیرهای تاثیرگذار بر برآوردهای زناشویی

1. White, L., Booth, A., & Edwards, J.

2. Greenbaum, J. & Rader, L.

3. Flood, S. M., Genadek, K. R., & Moen, P.

4. Gustavson, K., Røysamb, E., Borren, I., Torvik, F. A., & Karevold, E.

در مقایسه‌های بین‌خرده‌فرهنگ‌ها، بین‌نسل‌ها و بین دو جنس صورت پذیرد، تا امکان مقایسه نتایج در بازه زمانی طولانی‌تری در دو گروه زنان و مردان فراهم شود. از سوی دیگر، آگاهی از تجربیات روزمره زنان شرکت‌کننده و چگونگی گذران اوقات با همسر و یا به عبارت کلی‌تر آگاهی از راهبردهای کوتاه‌مدت یا بلندمدت نگهدارنده یا مخرب همسران، نیز توجه به زمان اولین تولد فرزند پس از ازدواج و میزان درگیری در وظایف فرزندپروری می‌توانست به تبیین روشن‌تر نتایج این پژوهش کمک کند که پیشنهاد می‌شود در بررسی کیفیت زناشویی همسران در طیف زمانی وسیع، به این تجربیات توجه شود.

با عنایت به نقش گذر زمان در حفظ، استمرار و ثبات برآیندهای مثبت زندگی زناشویی چون رضایت، شادکامی و رضایت جنسی در زوج‌ها پیشنهاد می‌شود بر پیش‌آگهی و آگاهی‌بخشی به همسران در مورد متغیرهای تاثیرگذار بر برآیندهای زندگی مشترک و آموزش رفتارهای نگهدارنده و کاستن از رفتارهای مخرب در طول زمان در مراکز مشاوره تاکید شود.

## منابع

- بخشایش، ع. و مرتضوی، م. (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوج‌ها. *روان‌شناسی کاربردی*، ۴ (۱۲): ۷۳-۸۵.
- بخشی‌پور، ب. و فلاحی، م. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رضایت جنسی و رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی در بین زنان متأهل شهر گرگان. اولین کنگره ملی روان‌شناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده، اهواز، انجمن علمی روان‌شناسی خانواده ایران، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بهرامی، ن.؛ ستارزاده، ن.؛ فوجازاده، م.؛ سلیمانی، م.؛ کاظمی، ح. و صادقی، ط. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط میان نابرابری با میزان رضایت جنسی زوج‌ها. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، ۲ (۵۵): ۱۱-۶.
- تیمورپور، ن.؛ مشتاق بیدوختی، ن. و پورشه‌باز، ع. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های دلبستگی، رضایت‌مندی زناشویی و احساس گناه با میل جنسی در زنان. *روان‌شناسی بالینی*، ۲ (۳): ۱۴-۱.
- جهان‌بخشی، ز.؛ یوسفی، ن. و کشاورزافشار، ح. (۱۳۹۳). بررسی کیفی چالش‌ها، تغییرات و رضایت زناشویی زنان در گذر به والدینی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۳ (۵۱): ۷۸-۶۴.

- دهشیری، غ. و موسوی، س. ف. (۱۳۹۵). خصوصیات روانسنجی نسخه فارسی مقیاس ارزیابی رابطه. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۲(۴۵): ۱۵۴-۱۴۱.
- دهشیری، غ. و موسوی، س. ف. (۱۳۹۳). نقش تعدیل‌کننده جنس در مقایسه‌ی شادکامی و رضایت از زندگی متأهلین دارای / بدون رضایت زناشویی. رویش روان‌شناسی، ۳(۷): ۱۹-۳۰.
- رحمانی، ا.؛ صادقی، ن.؛ الله‌قلی، ل. و مرقاتی خوئی، ع. (۱۳۸۹). ارتباط رضایت جنسی با عوامل فردی در زوج‌ها. مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۲۳(۶۶): ۲۲-۱۴.
- روحانی، ع. و ابوطالبی، ح. (۱۳۸۸). رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان. تازه‌های روان‌شناسی صنعتی / سازمانی، ۱(۱): ۶۲-۵۵.
- شاه‌سیاه، م.؛ بهرامی، ف. و محبی، س. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوج‌های شهرستان شهرضا. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۱(۳): ۲۳۸-۲۳۳.
- شیخ‌الاسلامی، ر.؛ نجاتی، ع. و احمدی، س. (۱۳۹۰). پیش‌بینی مؤلفه‌های شادکامی زنان متأهل از طریق عزت‌نفس و روابط زناشویی. زن در فرهنگ و هنر، ۳(۱): ۳۹-۵۴.
- شیخی، م.؛ هومن، ح. ع.؛ احدی، ح. و سپاه‌منصور، م. (۱۳۹۰). مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس رضایت از زندگی. اندیشه و رفتار، ۵(۱۹): ۱۵-۲۶.
- عباسی، م.؛ دهقانی، م.؛ مظاهری، م.؛ انصاری‌نژاد، ف.؛ فدایی، ز.؛ نیک‌پرور، ف.؛ یزدخواستی، ح.؛ منصور، ن. و ابار، ز. (۱۳۸۹). بررسی تغییرات رضایت زناشویی و ابعاد آن در طول چرخه زندگی خانواده: تحلیل روند. خانواده‌پژوهی، ۶(۱): ۲۲-۵.
- محمدی، ش.؛ باباپور، ت. و علی‌پور، ف. (۱۳۹۳). نقش پیش‌بین سبک‌های هویت و پنج عامل شخصیت در تعارضات زناشویی زوج‌های ۲۰ تا ۴۰ ساله. پژوهش‌های مشاوره، ۱۳(۴۹): ۱۴۵-۱۲۷.
- موحد، م. و عزیز، ط. (۱۳۹۰). مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران. زن در توسعه و سیاست، ۹(۲): ۲۱۶-۱۹۱.
- نجفی، م.؛ دهشیری، غ.؛ دبیری، س.؛ شیخی، م. و جعفری، ن. (۱۳۹۱). خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان. اندازه‌گیری تربیتی، ۳(۱۰): ۷۳-۵۵.
- هنرپروران، ن.؛ تبریزی، م.؛ نوابی‌نژاد، ش. و شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش رویکرد هیجان‌مدار بر رضایت جنسی زوج‌ها. اندیشه و رفتار، ۴(۱۵): ۷۰-۵۹.
- Baumeister, M. (2007). *Marital satisfaction Definition*. (Encyc)-45348.qxd.
- Bech, P. (2009). Applied psychometrics in clinical psychiatry: the pharmacopsychometric triangle. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 120(5), 400-409.
- Belsky, J., & Hsieh, K. H. (1998). Patterns of marital change during the early childhood years: Parent personality, coparenting and division-of-labor correlates. *Journal of Family Psychology*, 12(4), 511-528.
- Benson, P. R., & Kersh, J. (2011). Marital quality and psychological adjustment

- among mothers of children with ASD: Cross-sectional and longitudinal relationships. *Journal of autism and developmental disorders*, 41(12), 1675-1685.
- Brezsnayk, M., & Whisman, M. A. (2004). Sexual desire and relationship functioning: The effects of marital satisfaction and power. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 30(3), 199-217.
  - Brickman, P., & Campbell, D.T. (1971). *Hedonic relativism and planning the good society*. In M.H. Appley (ed.), *Adaptation Level Theory: A Symposium* (Academic Press, New York), pp. 287-304.
  - Bryan, A. A. (1998). *Facilitating couple relationships during the transition to parenthood*. Unpublished doctoral dissertation, University of Wisconsin, Eau Claire, Department of Family Health Nursing.
  - Byers, E. (2005). Relationship satisfaction and sexual satisfaction: a longitudinal study of individuals in long-term relationships. *The Journal of Sex Research*. 42, 113-118.
  - Camfield, L. (2003). Using subjective measures of wellbeing in developing countries. *Life*, 45(4), 257-263.
  - Carroll, J. S., & Holman, T. B. (2002). Premarital couple interactional processes and later marital quality. In *Premarital Prediction of Marital Quality or Breakup*, 141-163.
  - Carstensen, L. (1992). social and emotional patterns in adulthood: Support for socio-emotional selectivity theory. *Psychology and Aging*, 7, 331-338.
  - Christensen, S. (2004). The Effects of Premarital Sexual Promiscuity on Subsequent Marital Sexual Satisfaction.
  - Cook, J. L., & Jones, R. M. (2002). Congruency of identity style in married couples. *Journal of Family Issues*, 23(8), 912-926.
  - Davison, S. L., Bell, R. J., LaChina, M., Holden, S. L., & Davis, S. R. (2009). PSYCHOLOGY: The Relationship between Self-Reported Sexual Satisfaction and General Well-Being in Women. *The journal of sexual medicine*, 6(10), 2690-2697.
  - Diener, E. (1985). Subjective well-being. *Psychological bulletin*, 95(3), 542.
  - Diener, E. (2009). *Well-being for public policy*. Oxford University Press, USA.
  - Diener, E. (Ed.). (2009). *Assessing well-being: The collected works of Ed Diener* (Vol. 39). Springer Science & Business Media.
  - Diener, E. (Ed.). (2009). *Culture and well-being: The collected works of Ed Diener* (Vol. 38). Springer Science & Business Media.
  - Diener, E. D., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. *Journal of personality assessment*, 49(1), 71-75.
  - Dogan, T., Tugut, N., & Golbasi, Z. (2013). The relationship between sexual quality of life, happiness, and satisfaction with life in married Turkish women. *Sexuality and Disability*, 31(3), 239-247.
  - Doherty, W. J. (2001). *Take back your marriage: Sticking together in a world that pulls us apart*. New York: Guilford.

- Edwards, J. N. & Booth, A. (1994). Sexuality, marriage, and well-being: The middle years. In A. S. Rossi (Ed.), *Sexuality across the life course*. Chicago, IL: The University of Chicago Press.
- Eid, M., & Diener, E. (2004). Global judgments of subjective well-being: Situational variability and long-term stability. *Social Indicators Research*, 65, 245-277.
- Eid, M., & Larsen, R. J. (Eds.). (2008). *The science of subjective well-being*. Guilford Press.
- Eurobarometer Qualitative Studies (2011). Well-being. Conducted by TNS Qual + at the request of the European Commission Directorate-General for Communication, "Research and Speechwriting" Unit.
- Flood, S. M., Genadek, K. R., & Moen, P. (2018). Does Marital Quality Predict Togetherness? Couples' Shared Time and Happiness During Encore Adulthood.
- Freudiger, P. (1983). Life satisfaction among three categories of married women. *Journal of Marriage and the Family*, 213-219.
- Fuentes, M. D. M. S., & Iglesias, P. S. (2014). A systematic review of sexual satisfaction. *International journal of clinical and health psychology*, 14(1), 67-75.
- Goldstein, I., Meston, C. M., Davis, S., & Traish, A. (2005). *Women's sexual function and dysfunction: study, diagnosis and treatment*. CRC Press.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage and Family*, 62 (4), 927-947.
- Gottman, J. M., & Silver, N. (1995). *Why marriages succeed or fail: And how you can make yours last*. Simon and Schuster.
- Greeff, A. P., & de Bruyne, T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 26, 321 – 334.
- Greenbaum, J. & Rader, L. (1989). Marital problems of the "old" elderly as they present to a mental health clinic. *Journal of Gerontological Social Work*, 14, 111-126.
- Guo, B., & Huang, J. (2005). Marital and sexual satisfaction in Chinese families: Exploring the moderating effects. *Journal of sex & marital therapy*, 31(1), 21-29.
- Gustavson, K., Røysamb, E., Borren, I., Torvik, F. A., & Karevold, E. (2016). Life satisfaction in close relationships: Findings from a longitudinal study. *Journal of happiness studies*, 17(3), 1293-1311.
- Henderson, A. W., Lehavot, K., & Simoni, J. M. (2009). Ecological models of sexual satisfaction among lesbian/bisexual and heterosexual women. *Archives of Sexual Behavior*, 38, 50-6.
- Hendrick, S. S. (1988). A generic measure of relationship satisfaction. *Journal of Marriage and the Family*, 50, 93–98.
- Hendrick, S. S., Dicke, A., & Hendrick, C. (1998). The relationship assessment

- scale. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15(1), 137-142.
- Hills, P., & Argyle, M. (2002). The Oxford Happiness Questionnaire: A compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences*, 33(7), 1073-1082.
  - Hudson, W. W., Harrison, D. F., & Crosscup, P. C. (1981). A short-form scale to measure sexual discord in dyadic relationships. *Journal of Sex Research*, 17(2), 157-174.
  - Karahan. T. F. (۲۰۰۷). The effects of a couple communication program on conflict tendency among married passive couples. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 9(1), 141-111.
  - Kurdek, L. A. (1998). The nature and predictors of the trajectory of change in marital quality over the first 4 years of marriage for first-married husbands and wives. *Journal of Family Psychology*, 12(4), 594-510.
  - Lachman, M. E. (2004). Development in midlife. *Annual Review of Psychology*, 55,305-311.
  - Lawrence, E., Brock, R. L., Barry, R. A., Langer, A., & Bunde, M. (2009). Assessing relationship quality: Development of an interview and implications for couple assessment and intervention. *Psychology of relationships*, 173-189.
  - Noller, P., Feeney, J. A., Bonnell, D., & Callan, V. J. (1994). A longitudinal study of conflict in early marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, 11(2), 233-252.
  - Nunes, N. (2008). *Marital problems and marital satisfaction: An examination of a Brazilian sample*. Doctoral dissertation, Brigham Young University. Department of Marriage and Family Therapy.
  - Olson, D., DeFrain, J., & Skogrand, L. (2010). *Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths*. McGraw Hill.
  - Proulx, C. M., Helms, H. M., & Buehler, C. (2007). Marital quality and personal well-being: A meta-analysis. *Journal of Marriage and Family*, 69, 576-593.
  - Renshaw, K. D, McKnight, P., Caska, C. M., & Blais, R. K. (2011). The utility of the relationship assessment scale in multiple types of relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*,28: 435.
  - Rijavec, M., Brdar, I., & Miljković, D. (2008). Probability of attaining important life goals and well-being. *4th European Conference on Positive Psychology*, Rijeka, Book of Abstracts, p.220.
  - Roach, A. J., Frazier, L. P., Bowden, S. R. (1981). The Marital Satisfaction Scale: Development of a Measure for Intervention Research. *Journal of Marriage and Family*, 43 (3), 537-546.
  - Rosen, R. C., & Bachmann, G. A. (2008). Sexual well-being, happiness, and satisfaction, in women: The case for a new conceptual paradigm. *Journal of sex & marital therapy*, 34(4), 291-297.
  - Schmitt, M., Kliegel, M., & Shapiro, A. (2007). Marital interaction in middle and old age: A predictor of marital satisfaction?. *The International Journal of Aging*

- and Human Development*, 65 (4), 283-300.
- Scorsolini-Comin F, Dos Santos MA. (2012). Correlations between subjective well-being, dyadic adjustment and marital satisfaction in Brazilian married people. *The Spanish Journal of Psychology*, 5(1):166-76.
  - Shek, D. T. L. (2010). Marital Quality and Psychological Well-Being of Married Adults in a Chinese Context. *The Journal of Genetic Psychology: Research and Theory on Human Development*; DOI:10.1080/00221325.1995.9914805, 45-56.
  - Throop, R. (2011). *The Effects of Health and Marital Support on Subjective Well-being in Midlife and Old Age* (Doctoral dissertation, University of Michigan).
  - Trudel, G. (2002). Sexuality and marital life: results of a survey. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 28, 229-249.
  - Vaughn, M. J., & Matyastik Baier, M. E. (1999). Reliability and validity of the relationship assessment scale. *American Journal of Family Therapy*, 27(2), 137-147.
  - Wenner, C. A. (2010). Is Sex Important to Marital Satisfaction or is Marital Satisfaction Important to Sex? Top-down and Bottom-up Processing in the Bedroom. A Master of Arts Thesis in the University of Tennessee, Knoxville.
  - White, L., Booth, A., & Edwards, J. (1986). Children and marital happiness: Why the negative correlation? *Journal of Family Issues*, 7, 131-147.
  - Yeh, H. C., Lorenz, F. O., Wickrama, K. A. S., Conger, R. D., & Elder Jr, G. H. (2006). Relationships among sexual satisfaction, marital quality, and marital instability at midlife. *Journal of family psychology*, 20(2), 339.
  - Zietlow, P. H., & Sillars, A. L. (1988). Life-Stage Differences in Communication during Marital Conflicts. *Journal of Social and Personal Relationships*, 5, 223-245.